«رضا رفیع» مجری ویژه برنامه نوروزی شبکه شما شد

برنامه نوروزی شبکه «شما» سال ۹۸ به صورت زنده و با اجرای رضا رفیع روی آنتن خواهد رفت.

به گزارش فارس، شبکه تلویزیونی شما تصمیم دارد برنامه نوروزی خود را.که هنوز نام آن قطعی نشده.به صورت زنده و از خانه یکی از مفاخر ایرانی روی آنتن ببرد.

بنابراین گزارش، اجرای این برنامه تلویزیونی را رضا رفیع به‌عهده خواهد داشت و بناست برنامه از حدود ۶ ساعت قبل از تحویل سال آغاز شده و تا حدود ۲ ساعت پس از آن ادامه داشته باشد.

به گزارش فارس، محور اصلی برنامه امسال را که با حضور افراد مختلف همراه خواهد بود، مباحث فرهنگی تشکیل داده و قرار نیست مخاطبان برنامه شاهد حضور مهمان‌های معروف به سلبریتی در آن باشند.

رضا رفیع نویسنده، طنزپرداز، روزنامه‌نگار و مجری ایرانی است که مدت‌هاست اجرای برنامه قندپهلو را به عهده دارد.

چاوش هماوندی- جام جم

گفت‌وگوی جام جم با پروین مُلکی، بازیگر سینما و تلویزیون

اوشین ایرانی‌ام

نوشین مجلسی

رسانه

مهربان، شوخ و صبور است آنقدر که باور کردن قصه پرغصه زندگی‌اش دشوار به نظر می‌رسد. سن واقعی‌اش را در گوشی می‌گوید و بیان می‌کند همه جا می‌گویم متولد ۲۶ هستم چون اگر راستش را بگویم بعضی‌ها فکر می‌کنند دیگر توانایی کار ندارم. میانه‌های مصاحبه جوك تعریف می‌کند و دقایقی بعد با یادآوری خاطرات تلخ زندگی زناشویی‌اش به گریه می‌افتد. این بازیگر را پیش از این در فیلم‌های سینمایی به خاطر پونه، دهلیز، مردن به وقت شهریور، رژیم طلایی، سوت پایان و... دیده‌اید و به خاطر بازی در سریال‌های آژانس دوستی، من یك مستاجرم، راه شب، پریا و... می‌شناسید. مادر چشم به‌راه نما آهنگ «خونه مادربزرگه» که این روزها به مناسبت روز مادر از شبکه‌های مختلف سیما پخش می‌شود نیز اوست. پروین مُلکی به همین مناسبت مهمان روزنامه جام جم بود و از دیروز و امروز زندگی‌اش و تلخ و شیرین مادر بودن گفت.

سرگذشت من

از همان کودکی تبحر خاصی در درآوردن ادای این و آن و تقلید لهجه و صدا داشتم. پدرم می‌گفت: «پری فلانی چه جوریه؟» و من هم سریع مثل او حرف می‌زدم. می‌شود گفت تئاتر خانواده بودم. اینها گذشت و در سن کم ازدواج کردم؛ آن هم چه ازدواجی! شوهرم مردی لوس، عصبی و بداخلاق بود. با همه دعوا داشت و من و بچه‌ها را می‌زد. دست خودش نبود، بیمار بود. گاهی شب‌ها آنقدر گریه می‌کردم که بالشم خیس خیس می‌شد و آن را برعکس می‌کردم تا بتوانم بخوابم. دوست دارم به برنامه هزارداستان بروم و سرگذشتم را تعریف کنم. دیده‌ام آقای رضا رشیدپور در برنامه حالا خورشید، روزنامه شما را می‌خواند و از بازیگران دعوت می‌کند. دوست داشتم از این طریق صدایم شنیده شود و ایشان از من هم یاد کند. قصه‌ها و غصه‌های زیادی در سینه دارم. تا به حال یکی دو نفر گفته‌اند سرگذشتت را بنویس و بیاور. سختم است، راحت‌ترم شفاهی تعریف کنم. پنج فرزند داشتم که یکی از آنها فوت شد. همسرم هم قبل از آن بر اثر بیماری فوت کرد. یك بار بعد از مرگش خواب دیدم بازگشته است و مضطرب و ناراحت با خود می‌گفتم مگر مرده هم برمی‌گردد؟! پس کی من راحت می‌شوم؟! بعد از او بود که بازیگر شدم، اگر زنده بود که هرگز نمی‌گذاشت پا در این عرصه بگذارم. یادم می‌افتد اشکم درمی‌آید. فیلم‌های درام زیاد به من پیشنهاد می‌دهند؛ چهار بار نقش مادر شهید بازی کردم و به راحتی با نقش مثل ابر بهار اشك ریختم. در فیلم دیگر تنها نیستم ساخته محمدعلی طالبی و با حضور اکبر زنجانپور، ترانه من مانده‌ام تنهای تنها از ایرج بسطامی پخش می‌شد و من اشك می‌ریختم. عکاس جلو آمد و هی عکس می‌گرفت. آقای طالبی گفت حس‌اش را نگیر. گفتم نگران نباش اشك‌های من خود به خود می‌آید و ادامه‌دار است. خیلی‌ها می‌گویند این اشك‌ها از کجا می‌آید؟ به فلان چیز فکر کن تا گریه کنی یا قطره در چشمت بریز؛ می‌گویم کاری نداشته باشید، من می‌توانم. این اشك‌ها حاصل سختی‌ها و رنج است، اما این روزها سعی می‌کنم سرپا باشم و حتی از تنهایی لذت ببرم. تنهایی‌ام را دوست دارم. وقتم پر است. سر کار می‌روم، به بچه‌هایم سر می‌زنم. در خانه سریال می‌بینم، لواشك درست می‌کنم، میوه خشك می‌کنم و برای همکارانم به سرصحنه می‌برم.

آغاز با آژانس دوستی

پسرم در کار جلوه‌های ویژه بود و از این طریق با محرم زینال‌زاده آشنا بودیم. تقریبا ۲۴ سال پیش، یك روز به منزلمان آمد و دید من خیلی شادم، جوك می‌گویم، می‌خندم و... . گفت تو که این‌قدر راحت در جمع صحبت می‌کنی و... بیا و بازیگر شو. قبول نکردم، گفتم مسخره‌ام می‌کنند، آبرویم می‌رود. اما اصرار کرد تست بدهم. در واقع با داستانی ساختگی، من را به دفتر آقای جعفری جوزانی کشاند. آنجا تست گرفتند، گفتند اگر شوهرت زن بگیرد تو چه می‌گویی و... . همه را جواب دادم. بعد از تست، گفتند از فردا بازی داری. با تعجب گفتم چی؟ کدام کار؟ گفتند آژانس دوستی. آنجا نقش همسر اصغر بیچاره را بازی می‌کردم و قصه از این قرار بود که می‌فهمم تا ده روز بعد می‌میرم. نقش راننده‌مان را هم آقای کاویانی بازی می‌کردند.

بعد از آن آقای اصغر فرهادی من را پیدا کرد و در هشت قسمت داستان یك شهر بازی کردم. دو قسمت ترکی صحبت می‌کردم و در دو قسمت هم مادر سروش صحت بودم و اصفهانی حرف می‌زدم. از خودم هم بداهه دیالوگ می‌گفتم. در فیلم تهران طهران داریوش مهرجویی هم بازی کردم که در همان سکانس اول آقای مهرجویی گفت چقدر خوب بازی کردی.

دورگه‌ام

دورگه‌ام؛ از مادری لبنانی و پدری ایرانی. قصه زندگی مادرم و آمدن او به ایران شنیدنی، جالب و عجیب است. من با این اصالت می‌توانم به لهجه‌های مختلف مثل ترکی و سمنانی صحبت کنم. ماجرای یادگیری ترکی به کودکی‌ام بازمی‌گردد. سه بچه یتیم نزدیك خانه ما زندگی می‌کردند. اغلب می‌دیدم غذاهای ساده مثل نان، گوجه و پیاز می‌خورند. هر روز به مادرم می‌گفتم عزیز کمی غذا بده تا برای آنها ببرم. این بچه‌ها ترك بودند و من در تعامل با آنان ترکی یاد گرفتم. دوستان سمنانی هم داشتم و از آنان سمنانی یاد گرفتم. حافظه خوبی دارم. خیلی زود یاد می‌گیرم و با این سن هنوز کاملا دیالوگ‌ها را حفظ می‌کنم. در فیلم به خاطر پونه ترکی حرف می‌زدم، زمانی که می‌خواستند آن را بسازند، آلمان پیش پسرم بود. آقای هاتف علیمردانی گفت من برای آمدنتان صبر کردم چون می‌دانستم فقط خانم ملکی به درد این نقش می‌خورد.

محبوب‌ترین‌هایم

تله فیلم عشق یعنی یك کلام به کارگردانی کرامت شهسواری، از آن کارهایی است که خیلی دوستش دارم. در این پروژه تلویزیونی نقش یکی از شخصیت‌های اصلی را برعهده داشتم که پسرش در دوران دفاع مقدس معلول شده است و در سفری به شمال کشور با ماجراهایی روبه‌رو می‌شود.

راضی‌ام

کسی می‌گفت از این‌که همیشه نقش مادر را بازی می‌کنید، خسته نشدید؟ گفتم چه کنم؟ نقش پدر بازی کنم!؟ قاعدتا به زنی هم سن و سال من، همین نقش‌ها پیشنهاد می‌شود. نقش‌هایم را دوست دارم و اگر بخواهند، مایلم در کارهای کمدی هم حضور داشته باشم؛ اما تا جایی که به خاطر دارم تا به حال نقش کمدی نداشته‌ام.

شرح پریشانی من گوش کنید

دوست دارم کسی فیلم زندگی‌ام را بسازد تا بگویم اوشین کیه؟ نرگس کیه؟ من چه کشیدم، آن موقع زنان با شش کلاس سواد، مدیر مدرسه می‌شدند. من آنقدر باهوش بودم که حتی فکر می‌کنم می‌توانستم پروفسور بشوم اما مادرم سواد نداشت و زود شوهرم داد. از ۱۲ سالگی خواستگار داشتم. آن زمان دختر که به ۱۸ سالگی می‌رسید می‌گفتند ترش شده است. حتی اگر از همسرم جدا هم می‌شدم بهترین‌ها خواستگارها را داشتم اما به خاطر بچه‌هایم ماندم. می‌ترسیدم با او تنهایشان بگذارم. مادرم هم پذیرای بچه‌ها نبود. حوض بزرگی در خانه‌شان بود و مادر می‌گفت بچه‌هایت کوچك هستند و در حوض می‌افتند. پدرم هم سرطان گرفته بود و دکترها نمی‌فهمیدند مشکلش چیست. در این شرایط نمی‌توانستم با بچه‌ها به خانه پدری برگردم.

هفت خان خانه سینما

با این‌که در فیلم‌های زیادی بازی کردم هنوز کارت خانه سینما ندارم. مدام می‌گفتند در پرونده‌ات مشکلاتی است. بالاخره حل شد و گفتند چند تا از فیلم‌های سینمایی‌ات را روی سی دی بریز و برایمان بیاور. برای تهیه کردن فیلم‌ها به سروش رفتم که در راه زمین خوردم و از آن روز کمر درد دارم. به دکترهای زیادی مراجعه و کلی خرج کردم اما هنوز مداوا نشدم. امیدوارم کمرم خوب شود و ده پانزده سال دیگر بمانم.

در راه خدا

برای بسیاری از دانشجویان به صورت رایگان بازی می‌کنم و می‌گویم اگر دوست دارید مبلغی را پرداخت کنید. خیلی وقت‌ها پشت صحنه، ناهارم را با هنرورها می‌خورم چون معتقدم ما انسان‌ها هیچ فرقی با همدیگر نداریم، من شانس داشتم و بازیگر شدم اما این شانس ممکن است نصیب هنروری که سال‌هاست در سینما کار می‌کند، نشود؛ پس نمی‌فهمم چرا بعضی بازیگرها خودشان را می‌گیرند و سلام را به زور جواب می‌دهند.

> دوست دارم کسی فیلم زندگی‌ام را بسازد تا بگویم اوشین کیه؟ نرگس کیه؟ من چه کشیدم...

> با این‌که در فیلم‌های زیادی بازی کرده‌ام هنوز کارت خانه سینما ندارم

عبور از سختی‌ها

زندگی سختی داشته و هنگام یادآوری برخی لحظات رنج‌آور زندگی زناشویی‌اش میان مصاحبه به گریه می‌افتد اما در عین حال بیشترین حسی که از او می‌گیرید، احساس شادی و رضایت است. آرامشی درونی دارد که چهره مادرانه‌ای به او بخشیده است. خودش هم می‌گوید هر کس من را می‌بیند می‌گوید چه صورت مهربانی دارید. او دلیل این حال خوش را با وجود رنج‌های فراوان در حس کردن حضور خدا در زندگی‌اش و معجزه‌های زیادی می‌داند که از او دیده است. می‌گوید: خدا قربانش بروم حواسش به من هست و بارها این را ثابت کرده.

حسرت «کودك شو»

مُلکی: برنامه کودك شو را می‌بینم و خیلی دوستش دارم. راستش غبطه می‌خورم به حال خانواده‌هایی که در این برنامه شرکت می‌کنند. از این‌که زن و شوهر و فرزندشان با هم مهربانند و رابطه خوبی دارند هم خوشحال می‌شوم و هم برای خودم و بچه‌هایم غصه می‌خورم که چه سرنوشتی داشتیم.

خاطره‌هایش

فوتبال نمی‌بینم

فرشاد احمدزاده و علی انصاریان در سریال محکومین، نقش پسرهایم را بازی می‌کردند. اولین بار که فرشاد سر صحنه آمد گفتم این پسر، فرشاد احمدزاده است؟ سنی ندارد که! گفتند: نمی‌شناسی؟ مگر فوتبال نمی‌بینی؟ گفتم: نه چون دلم برای بازنده‌ها می‌سوزد.

ننه سرمای محله گل و بلبل

این بازیگر در محله گل و بلبل نقش ننه سرما را بازی می‌کند و بازی‌اش به تازگی در فصل تازه این مجموعه تمام شده است. او با نقل خاطره‌ای از پشت صحنه یکی از سریال‌هایی که در آن به ایفای نقش می‌پردازد، می‌گوید: چند روز پیش دوستان و همکارانم می‌گفتند این برف و باران‌های امسال به خاطر این نقشی است که تو بازی می‌کنی.

نقش بر آب

میانه گفت‌وگو مجله زن روز چاپ سال ۸۲ را از کیفش درمی‌آورد. تصویر روی جلد، او و افسون افشار در نمایی از سریال نقش بر آب است، سریالی که تنها یك بار از تلویزیون پخش شد. گزارش را فاطمه عودباشی، یکی از همکاران جام جم تهیه کرده است و این اتفاق جالب باعث می‌شود با حضور همکارم در اتاق مصاحبه، حسابی بحثمان گل بیندازد.

رامین ناصرنصیر پزشك هندی «حکایت‌های کمال» شد

رامین ناصر نصیر به گروه بازیگران سریال «حکایت‌های کمال» پیوست.

به گزارش جام جم، سریال حکایت‌های کمال به کارگردانی قدرت‌ا.. صلح میرزایی و تهیه‌کنندگی محسن شایانفر، همچنان مراحل تصویربرداری را در شهرك غزالی سپری می‌کند و از روز سه‌شنبه، هفتم اسفند گروه بخشی از سکانس‌های مربوط به خیمه شب بازی را جلوی دوربین برده است.

تاکنون بیش از ۸۰ درصد سریال تصویربرداری شده و تدوین سریال به طور همزمان توسط شادی شایانفر در حال انجام است.

همچنین رامین ناصرنصیر در نقش دکتر هندی به گروه بازیگران سریال پیوسته است. این کاراکتر، پزشکی هندی‌تبار است که در ایران مطب زده و مشغول به کار است که در قسمت‌هایی از داستان با دیگر شخصیت‌های اصلی ارتباط پیدا می‌کند. سعید عسگری دیگر بازیگری است که به پروژه پیوسته است و نقش معلم را بازی می‌کند. این دو آخرین بازیگرانی هستند که در فاز نخست به پروژه پیوسته‌اند.

سریال حکایت‌های کمال در ۳۱ قسمت توسط سیمافیلم تهیه می‌شود. فاز نخست سریال برای ۳۱ قسمت نگارش و قسمت‌های دیگر برای فاز دوم در نظرگرفته شده است.

محمود پاك‌نیت، شهره لرستانی، حمید ابراهیمی، محمدرضا شیرخانلو، سولماز غنی، علی مسلمی، شهرام عبدلی، بیژن بنفشه‌خواه، یوسف صیادی، امیر نوری، فلور نظری، بیتا خردمند، سیروس میمنت، مهرداد ضیایی، مختار سائقی، اکبر سنگی، آرش نوذری، داریوش سلیمی، سعید پیردوست، عباس محبوب، بهشاد مختاری، حسین چنگی، فریده دریامج، تقی زنجانی، حمید صفایی و شهربانو موسوی، همراه هنرمندان خردسال امیرحسین کافتری، همراز اکبری و محمدحسین بلوکات و جمعی از بازیگران سینما و تئاتر در این سریال بازی دارند.

این سریال روایتی از دهه ۴۰ است و اقتباسی از زمانی به

همین نام نوشته محمد میرکیانی محسوب می‌شود که قهرمان داستان یك نوجوان به نام کمال است.

اخبار

«علوم شناختی؛ چالش‌ها و ظرفیت‌ها» روی میز «زاویه»

برگ دیگری از مجله تصویری «زاویه» این بار با موضوع «علوم شناختی؛ چالش‌ها و ظرفیت‌ها» با حضور دکتر محمدتقی جغتایی، معاون ستاد علوم شناختی در امور آموزش و دکتر حامد حاجی حیدری، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، چهارشنبه ۸ اسفند ساعت ۲۱ در شبکه چهار سیما ورق می‌خورد.

به گزارش جام جم، برنامه زاویه به تهیه‌کنندگی علی خواجه و با اجرای حبیب‌ا... رحیم‌پور هر هفته چهارشنبه‌ها ساعت ۲۱ از شبکه چهار سیما پخش می‌شود.

بزرگداشت فرجا... سلحشور برگزار می‌شود

در آستانه سومین سالگرد درگذشت زنده‌یاد فرجا... سلحشور آیین بزرگداشت این هنرمند انقلابی برگزار می‌شود.

به گزارش جام جم، در آستانه سومین سال درگذشت مرحوم فرجا... سلحشور آیین گرامیداشت این کارگردان و هنرمند انقلابی و متعهد سینما و تلویزیون برگزار می‌شود.

این مراسم با حضور خانواده این هنرمند، هنرمندان و نمایندگان مجلس چهارشنبه ۸ اسفند، ساعت ۱۵ برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در این مراسم به خبرگزاری تقریب واقع در خیابان سمیه مراجعه کنند.

انتخاب مردمی، اهمیت جشنواره جام جم را بالا می‌برد

عبدالرضا اکبری گفت: ارزیابی عوامل برنامه‌ساز به‌واسطه نگاه و پسند مردم، اهمیت جشنواره تلویزیونی جام جم را بالا می‌برد.

به گزارش جام جم، عبدالرضا اکبری، بازیگر سریال «آنام» درباره جشنواره تلویزیونی جام جم و عملکرد آن گفت: به اعتقاد من ارزیابی آثار تلویزیونی در این جشنواره اهمیت ویژه‌ای دارد و در رشد کیفی آثار بسیار کمك‌کننده است.

این بازیگر تلویزیون درباره جایگاه بخش مردمی جشنواره تصریح کرد: تمام کسانی که در این حوزه فعالیت کردند از جمله مجریان، بازیگران، برنامه‌های مختلف ورزشی، نمایشی و سریال‌های متعدد، توسط مردم انتخاب می‌شوند و به‌واسطه نگاه و پسند مردم مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و این اتفاق، اهمیت این جشنواره را بالا می‌برد.

وی درباره میزان تاثیرگذاری و انگیزه‌دار بودن این جشنواره به‌خصوص برای نسل‌های جوان‌تر اظهار کرد: این جشنواره همین الان هم تاثیرگذار بوده است، اما با توجه به وقفه‌ای که در دوره‌های گذشته پیش آمد، اگر این جشنواره هرساله برگزار شود، باعث می‌شود در این عرصه نگاه تازه‌ای شکل بگیرد تا افراد بتوانند کارشان را ارتقا بدهند و این رقابت سالم موجب رشد فرهنگی می‌شود.

اکبری در پایان درباره سریال آنام و موفقیت آن در جشنواره جام جم گفت: زمانی که این سریال در بخش‌های مختلف ارزیابی می‌شود، نشان‌دهنده این است که جزو سریال‌های پربیننده بوده و یك سری ویژگی‌های خاصی داشته است که توانسته در جشنواره کاندیدا شود.